

▪ درس چهارم بخش اول : کدام تصویر از جهان؟

- « اتفاق » از کلماتی است که در گفت و گوهای روزمره همه اقوام و ملل کاربرد دارد.
- مردم برخی امور را « اتفاقی » و « تصادفی » می شمارند و برخی دیگر را نه.

□ نظریه دموکریتوس و مفهوم اتفاق :

- برخی از فیلسوفان نیز گاهی از واژه « اتفاق » استفاده کرده اند؛ مثلاً دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.

□ نظریه داروین و مفهوم اتفاق :

- شکل دیگری از اتفاق که در دوره های اخیر مطرح شده در سخنان برخی دانشمندان زیست شناس، از جمله داروین، آمده است.
- آنان می گویند: از ابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین ۳/۵ میلیارد سال می گذرد. طی این سال ها جانداران بی شماری پدید آمده اند اما بیشتر آنها، به علت ناسازگاری اندام ها و اعضای بدنشان با محیط زندگی، از بین رفته اند.
- فقط آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان « اتفاقاً » سازگار با محیط بوده است؛ به حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند و اگر در این میان تکاملی رخ داده، اتفاقی بوده است.

□ نظریه بیگ بنگ و مفهوم اتفاق :

- امروزه، برخی از دانشمندان می گویند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، با یک انفجار بزرگ بیگ بنگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.
- بیان آنان درباره این انفجار به گونه ای است که مفهوم « اتفاق » را به خاطر می آورد.
- از این رو، جای این پرسش هست که آیا چیزی بوده که به طور اتفاقی منفجر شده است یا شرایطش به گونه ای بوده که پذیرای چنین انفجاری شود؟

□ نظریه شانس و مفهوم اتفاق :

- اصطلاح دیگری که برخی از مردم آن را به کار می برند، اصطلاح « شانس » است.
- برخی شانس را عامل موفقیت یا عدم موفقیت می دانند و معتقدند که شانس برخی از افراد بیشتر و شانس بعضی دیگر کمتر است.

□ دیدگاه فیلسوفان در مورد مفهوم اتفاق :

- یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها بوده است.
- ابن سینا که خود این دقت را دارد و آن را از وظایف فیلسوفان می شمارد، در مهم ترین کتاب فلسفی خود، یعنی « الهیات شفا » هم درباره « اتفاق » و هم درباره « شانس » سخن گفته و تلاش کرده است نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید
- امروزه مفهوم اتفاق نه تنها نزد عامه مردم بلکه در علوم نیز کاربرد پیدا کرده است لذا ضروری است که در ادامه بحث علیّت، نظری به این مفاهیم بیندازیم و جنبه فلسفی آنها را روشن کنیم.

□ لوازم علیّت در جهان

- پذیرش اصل « علیت » زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است.
- با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم و با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی آییم.
- اصل « وجوب بخشی علت به معلول » جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد؛ به گونه ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود و وجوب وجود پیدا می کند.
- باغبان بر همین اساس بذر می کارد و آن را آبیاری می کند و راننده با همین مبنا خودرویش را روشن و به جلو هدایت می کند .
- اصل « سنخیت میان علت و معلول » نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید
- طبق اصل سنخیت، علت های خاص، معلول های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد.

لازمه و نتیجه اصل	اصل
ارتباط و پیوستگی	اصل علیت
تخلّف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی	اصل وجوب بخشی علت به معلول
نظم و قانونمندی میان پدیده ها	اصل سنخیت میان علت و معلول

□ معانی اتفاق

❖ معنای اول اتفاق :

- میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد. چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن پدید نیاید؛ مثلاً همه عوامل پیدایش باران موجود باشند، اما باران نبارد و چه بسا یک معلول بدون وجود علت پیدا شود، مثلاً بدون وجود ابر و مانند آن، خودبه خود باران ببارد.

➤ بررسی معنای اول اتفاق:

- فیلسوفی یافت نمی شود که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد.
- همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می کنند و می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت موجود شود.
- برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، گاهی فکر می کنند که در برخی موارد، در عین وجود علت، معلول پدید نمی آید و براین اساس، می پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد توضیح : در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هر یک از عوامل را « علت ناقصه » و مجموعه عوامل را « علت تامه » می نامند؛ مثلاً نوشتن روی کاغذ معلول عواملی از قبیل وجود انسان، وجود قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و چندین عامل دیگر است . پس،
- نوشتن وقتی محقق می شود که همه عوامل دخیل در آن موجود باشند . حتی اگر یک عامل هم نباشد، مثلاً فرد اراده نکند، نوشتن پدید نخواهد آمد . حال، ممکن است برخی افراد بدون توجه به « اراده کردن » چنین تصور کنند که همه عوامل نوشتن وجود دارد ولی نوشتن صورت نمی گیرد.

❖ معنای دوم اتفاق :

- ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید؛ مثلاً حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود؛ یعنی سنخیتی میان علت و معلول وجود ندارد.

➤ بررسی معنای دوم اتفاق :

- اتفاق به این معنا نیز از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست .
- آنان می گویند اگر کسی به طور جدی و دقیق اصل سنخیت میان علت و معلول را به طور جدی و دقیق انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد؛ مثلاً نمی تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع عطش رابطه ای مشاهده نمی کند.
- علاوه بر این، چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها دعوت کند.
- انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.

❖ معنای سوم اتفاق :

- ، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام ها به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی روند.

➤ بررسی معنای سوم اتفاق:

- اثبات یا نفی اتفاق به معنای سوم نیازمند دقت و تأمل بیشتر است، بنابراین، آن را با یک مثال بررسی می کنیم.
- از پیدایش زمین چند میلیارد سال می گذرد. در بدو پیدایش زمین هیچ گیاه و حیوان و انسانی روی آن زندگی نمی کرد. چند میلیارد سال طول کشید تا بر اثر تحولات پی در پی اولین موجودات زنده و ساده بر روی این کره پدید آمدند. سپس به تدریج با تحول این موجودات زنده، موجودات زنده کامل تر و کامل تری پدید آمدند تا بالاخره نوبت به خلق کامل ترین موجود زنده کره زمین، یعنی انسان رسید و او قدم بر کره خاکی نهاد.

□ اکنون جای طرح این سؤال است که آیا جهت گیری تحولات روی زمین از همان ابتدا به سمت پیدایش انسان

بوده است یا اینکه این تحولات، به طور اتفاقی منجر به پیدایش انسان شده اند؟

- به عبارت دیگر، آیا می توان گفت که هدف و غایت این تحولات و منتهای این مسیر طولانی حقیقتاً انسان بوده است؟

□ در پاسخ به این سؤال، فلاسفه به دو دسته تقسیم شده اند:

- آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم « اصل علیت » به « علل معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند، می گویند هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند و سرمنزلی تعیین شده دارد؛ گرچه انسان ها به علت محدودیت های علمی نتوانند همه این اهداف را کشف کنند.
- آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به « علل معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است.

❖ معنای چهارم اتفاق :

- معنای چهارم اتفاق که بی ارتباط با اصل علیت نیست، رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است؛ مثلاً، شخصی برای خرید روزانه به سمت بازار حرکت می کند اما در بین راه دوست خود را می بیند و از دیدن او خوشحال می شود. این شخص وقتی به منزل بازمی گردد، به اعضای خانواده اش می گوید: من امروز اتفاقی دوستم را دیدم و با او درباره فلان موضوع گفت و گو کردم .